



تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری همایش بین‌المللی تفسیر تسنیم

**معـاونت پژوهش و برنامه‌ریزی**

**دفتـر مطـالعـات و تـحقیـقات**

**اسفند 1403**

مقدمه

در عصری که تلاطمات فکری و فرهنگی، جوامع را در معرض پرسش‌های بنیادین قرار داده و نیاز به فهمی عمیق‌تر از معارف الهی بیش از پیش احساس می‌شود، رجوع به کلام وحی و تفاسیر روشنگرانه آن ضرورتی انکارناپذیر است. در این میان، حوزه‌های علمیه به عنوان سنگربانان اندیشه و معرفت دینی، نقشی بی‌بدیل در تبیین و ترویج این معارف ایفا می‌کنند. تدوین «**تفسیر تسنیم»** توسط عالم ربانی، آیت‌الله جوادی آملی، بازتابی از این تلاش‌ها و تکاپوها در عرصه تفسیر قرآن کریم است.

بیانات این دیدار مقام معظم رهبری در تاریخ 04/12/1403 که به تجلیل از مقام شامخ حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی و معرفی اثر گران‌سنگ ایشان اختصاص یافته است، با بیانی شیوا و لحنی متواضعانه به قدردانی از زحمات طاقت‌فرسای آیت‌الله جوادی آملی در طول سالیان متمادی می‌پردازد و «**تفسیر تسنیم»** را به عنوان **یکی از افتخارات جهان تشیع و حوزه‌های علمیه** پس از تفسیر المیزان علامه طباطبایی در عصر خود معرفی می‌کند. ایشان با برشمردن ویژگی‌های منحصر به فرد این تفسیر از جمله تبیین عمیق آیات، استفاده از تفکر عقلانی، گستردگی مباحث و تبدیل‌شدن به یک دایرةالمعارف بزرگ، بر اهمیت و ضرورت استفاده از آن برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به معارف قرآنی تأکید می‌کند. معظم‌له همچنین با مخالفت صریح با پیشنهادهای مربوط به خلاصه‌کردن تفسیر یادشده از اصالت و تمامیت این اثر گران‌بها دفاع می‌کند و بر لزوم حفظ آن برای نسل‌های آینده تأکید می‌ورزد و برای استفاده مطلوب‌تر از این اثر گرانبها پیشنهاد تدوین فهرست فنی تفسیر مد نظر را می‌دهد.

در بخش سوم این سخنرانی مقام معظم رهبری به مهجور ماندن مقوله تفسیر آیات قرآن در حوزه‌های علمیه پرداختند و افزون بر لزوم جلب توجه ویژه به آن، تدوین ترجمه عربی تفسیر تسنیم را خواستار شدند تا معارف شیعه در جهان عرب و در میان اهل تسنن نیز تکثیر یابد.

در ادامه به تشریح و تحلیل محتوای این بیانات که در بین دست اندرکاران همایش بین‌المللی تفسیر تسنیم ایراد شده است، می‌پردازیم.

**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

خیلی خوش آمدید آقایان محترم و خیلی متشکّریم از این توضیحات خوبی که هم جناب آقای اعرافی دادند، هم جناب آقای حاج آقا سعید [جوادی] گفتند راجع به این کتاب شریف و استفاده کردیم. آنچه باید در معرّفی این کتاب گفته بشود، همینهایی بود که آقایان گفتند؛ چیز زیادتری نداریم.

من دو سه مطلب را [عرض می‌کنم]: یک مقوله، مقوله‌ی شخص آیت‌الله آقای جوادی است؛ یک مقوله، مقوله‌ی تفسیر تسنیم است؛ یک مقوله هم مقوله‌ی رواج تفسیر قرآن ــ حالا فراتر از علوم قرآنی؛ نفْس تفسیر قرآن ــ در حوزه‌های علمیّه است.

موضوع نخست

درباره آیت الله جوادی آملی

راجع به آیت‌الله آقای جوادی، به نظر من حوزه واقعاً وام‌دار ایشان است؛ ایشان کار بزرگی انجام دادند. اینکه انسان از یک جای کوچکی شروع کند تفسیر قرآن را و چهل سال آن را ادامه بدهد، این کار آسانی نیست؛ یعنی انسان وقتی فکر کند، خواهد دید کار خیلی بزرگی است استقامت بر این کار، خسته نشدن در این کار، تردید پیدا نکردن در ادامه‌ی این کار، بلکه شاید ــ من البتّه توفیق پیدا نکردم این را نگاه کنم بفهمم ــ احتمالاً شوق و ذوق مفسّر محترم نسبت به آیات در گذشت زمان بیشتر هم شده باشد؛ احتمالاً باید این‌جور باشد. و اینکه انسان مبتهج به این کار ــ کار روی قرآن ــ باشد، خیلی باارزش است. صحبت شده بود با ایشان راجع به همین کار تفسیری ایشان، خود ایشان مبتهج بودند به این کار و می‌گفتند این یک «المیزان» امروز است؛ تعبیر ایشان این بود؛ می‌گفتند این المیزان است، منتها المیزان باب امروز، برای امروز.

تعبیر آیت الله جوادی آملی از کتاب **تفسیر تسنیم:** **المیزان امروز**

انسان که نگاه می‌کند، [می‌بیند] واقعش هم همین‌جور است. بنابراین، کار ایشان کار واقعاً باارزشی است. البتّه فعّالیّت‌های علمی ایشان در زمینه‌های علوم عقلی و نقلی مهم است و جای تقدیر دارد، لکن هیچ کدام از آنها به نظر من با این کارِ تفسیریِ با این تفصیل، قابل مقایسه نیست؛ یعنی به نظر من این کار، هم از کارهای فلسفی ایشان، [هم] از کارهای عرفانی ایشان، [و هم] از کارهای فقهی ایشان مهم‌تر و والاتر است.

نکته

تفوق تفسیر تسنیم نسبت به دیگر آثار فلسفی، عرفانی و علمی حضرت آیت‌الله جوادی آملی از دیدگاه مقام معظم رهبری

خداوند ان‌شاءالله به ایشان اجر بدهد، عمر ایشان را طولانی کند و این نشاطی را که موجب شد ایشان بتوانند این کار را در این مدّت طولانی ادامه بدهند، ان‌شاءالله خداوند در ایشان حفظ کند. شاید بخواهند مراجعه کنند؛ پیش می‌آید که انسان گاهی مراجعه می‌کند، نظرش در مورد یک مسئله‌ای تغییر پیدا می‌کند، یک چیزی را اضافه می‌کند؛ ان‌شاءالله این نشاط در ایشان ادامه پیدا کند.

موضوع دوم

تفسیر تسنیم

و امّا راجع به مقوله‌ی تفسیر تسنیم؛ به نظر من این تفسیر از افتخارات شیعه است. من واقعاً می‌توانم این‌جور تعبیر کنم که از افتخارات شیعه است. تفسیر به معنای خاصّ خودش در این کتاب خیلی خوب انجام گرفته، [یعنی] آیه تبیین شده، قوّت تفکّر عقلانی مؤلّف کمک کرده که برخی از مفاهیم ظریف، لطیف و دست‌نیافتنی در آیات، فهمیده بشود. من البتّه خیلی توفیق نداشتم مراجعه کنم به [این] تفسیر؛ گاهی چرا، لکن دیشب و امروز برای اینکه حاضرالذّهن باشم، گفتم یک جلد از آن تفسیر را بیاورند من نگاه کنم، تصادفاً جلد چهلم، سوره‌ی یوسف [بود]. انسان نگاه می‌کند، واقعاً سرشار از مطالب دانستنی‌ای است که می‌شد اینها را انسان ندیده بگیرد؛ مثلاً فرض کنید [اینکه] «رؤیا» چیست؛ حقیقت رؤیا، بحث درباره‌ی حقیقت رؤیا. همان سبک کاری که مرحوم آقای طباطبائی در المیزان انجام دادند تحت عنوان بحث فلسفی یا بحث مثلاً اجتماعی؛ منتها این، در سطح عظیمِ این تفسیر بزرگ، گسترده است؛ یعنی اگر فرض کنیم آن کاری که حالا نسبت به المیزان آن کار [انجام] شده، [مشابه آن] بنا باشد مباحث غیر تفسیری را از این کتاب استخراج کنند و جمع کنند، خودش یک دایرةالمعارف می‌شود؛ یک مجموعه‌ی بزرگی از معارف می‌شود که قابل استفاده است، در موضوعات مختلف، مثلاً فرض کنید به مناسبت یک کلمه در یک آیه و برای اینکه این استفاده خوب انجام بگیرد، به نظر من این تفسیر احتیاج دارد به یک فهرست فنّی کامل. من نمی‌دانم حالا در این زمینه کاری شده یا نه. تفسیر، فهرست لازم دارد؛ این تفسیر، فهرست فنّی لازم دارد تا هم موضوعات بیان بشود، هم ترتیب حروف با [ترتیب] الفبایی ملاحظه بشود که اگر انسان مثلاً فرض کنید که راجع به فلان موضوع می‌خواهد بداند در این تفسیر چه هست، بتواند بزودی پیدا کند آنها را و استفاده کند. بنابراین هم تفسیر است، هم به یک معنا دایرةالمعارف است. بنابراین انصافاً‌ تفسیر تسنیم جزو افتخارات شیعه است، جزو افتخارات حوزه است و ما خدا را شکر می‌کنیم بر اینکه این کار انجام گرفت.

من شنیده‌ام، بعضی از طولانی بودن تفسیر ــ هشتاد جلد بودن آن ــ گلایه‌مندند و می‌گفتند که این تفسیر را خوب است کوتاه کنیم، خلاصه کنیم. من به نظرم این کار نه ممکن است، نه جایز است. یعنی این کار، تفسیر را از آن هویّت خودش می‌اندازد. کتاب تفسیر ــ بخصوص با این تفصیل ــ کتابی نیست که انسان بخواهد از اوّل بنشیند تا آخر بخواند که انسان بگوید هشتاد جلد است، طولانی است نمی‌توانیم بخوانیم؛ کتاب مرجع است؛ انسان یک آیه‌ای را

می‌خواهد بفهمد، یک سوره‌ای را می‌خواهد بفهمد، یک موضوعی را می‌خواهد بفهمد، مراجعه می‌کند؛ این ۸۰ جلد باشد، ۱۰۰ جلد باشد، ۱۸۰ جلد باشد، فرقی نمی‌کند. بنابراین کوتاه کردن تفسیر [جایز نیست]. حالا امروز به نظرم به من گفتند که بنا است آن قسمت‌های خلاصه‌ی تفسیری را که آن اوّل هر آیه ذکر شده، اینها را جمع کنند؛ خب یک چیزی خواهد شد امّا نه، به نظرم می‌آید اسم آقای جوادی و اسم تفسیر تسنیم را با این کارها کوچک نکنیم؛ بگذاریم تفسیر همین‌طور به همین شکل باشد. منتها فهرست می‌خواهد، فهرست لازم دارد؛ تفسیر حتماً بدون فهرست کم‌استفاده خواهد شد؛ باید فهرست بشود. این هم راجع به مسئله‌ی تسنیم.

**نظر مقام معظم رهبری درباره کتاب تفسیر تسنیم**

۱.تفسیر تسنیم از افتخارات شیعه و حوزه است.

۲. این کتاب افزون بر یک تفسیر یک دائره المعارف محسوب می‌شود.

۳. این تفسیر به فهرست فنی احتیاج دارد و کوتاه کردن آن جایز نیست.

موضوع سوم

تفسیر قرآن در حوزه‌ها

**مطلب اول: کم کاری حوزه‌ها در زمینه تفسیر قرآن**

و امّا مقوله‌ی تفسیر قرآن در حوزه‌ها. انصافاً حوزه‌ها در این زمینه کم‌کارند؛ حوزه‌های مختلف ما، در طول زمان، خیلی کم‌کاری در این زمینه داشته‌اند. مجاهدت بزرگ را مرحوم آقای طباطبائی کرد که با اینکه هیچ معمول نبود، ایشان آمدند درس تفسیر شروع کردند و همین، مبدأ توجّه به قرآن و مفاهیم قرآنی و مانند اینها در حوزه شد. ایشان در مدرسه‌ی حجّتیّه [درس تفسیر داشتند]. بنده البتّه توفیق نداشتم که آن درس را بروم، [امّا] آقای جوادی آن وقت مدرسه‌ی حجّتیّه بودند، به نظرم می‌رفتند. یک عدّه‌ای می‌رفتند درس ایشان، لکن درس کوچکی بود؛ یعنی در مسجدِ مدرسه‌ی حجّتیّه، یک گروهی ــ شاید چهل پنجاه یا به نظرم سی چهل نفر ــ می‌نشستند، لکن شروع مهمّی بود؛ **آقای طباطبائی (رضوان الله علیه) کار بزرگی را آغاز کرد و پایه‌گذاری کرد.** قبل از ایشان، در حوزه‌ی قم هم خبری نبود، در حوزه‌ی نجف هم به طریق اولی خبری نبود. در حوزه‌ی نجف، خب می‌دانید دیگر مرحوم بلاغی یک چیز مختصری و بعضی دیگر از آقایان یک چیز مختصری در این زمینه دارند؛ ولی آن کاری که توقّع می‌رود از یک حوزه‌ای که می‌خواهد علوم اسلام را بیان کند، اصلاً فاصله‌ی حوزه‌های ما با آن خیلی زیاد است. نتیجه چه می‌شود؟

 نتیجه این می‌شد که علمای بزرگ و معروف ما خیلی اوقات با مفاهیم قرآنی آشنایی نداشتند.

من یکی از علمای خیلی خوب، مرد فاضل، ملّا و بسیار آدم خوب را می‌شناختم ــ زمان جوانی ما ــ ایشان می‌گفت ما نجف که بودیم، خب مشغول درس و بحث بودیم و مشغول کارهایمان بودیم و بنویس و بگو و تبادل کن و مباحثه کن و برو و بیا و مانند اینها؛ وقتی آمدیم از نجف به ایران، من تصادفاً تفسیر صافی را پیدا کردم ــ آن آقا می‌گفت ــ تفسیر صافی را نگاه کردم، دیدم عجب مطالبی در این کتاب هست! حالا شما ببینید چقدر مطالب در تفسیر صافی وجود دارد که یک مجتهدِ ملّای سالها درس‌خوانده‌ی در نجف را متعجّب کند؛ وضع حوزه‌های ما این‌جوری بود.

بنده قبل از انقلاب، یک سروکار مختصری با کارهای قرآنی داشتم، به طلبه‌ها می‌گفتم؛ می‌گفتم وضع حوزه‌ی ما این‌جوری است که از «بدان‌ ایّدک الله» که شروع می‌کنیم تا وقتی اجازه‌ی اجتهاد می‌گیریم، در طول این سال‌ها، می‌توانیم حتّی یک بار احتیاج پیدا نکنیم به اینکه بلند شویم از روی طاقچه قرآن را برداریم نگاه کنیم! یعنی این درس‌های ما هیچ سروکاری با قرآن ندارد، مگر همان مقداری که در کتاب ادبیّات، در مغنی یا در سیوطی و مانند اینها، آیات قرآن هست؛ وَالّا نه در فقهمان، نه در ادبیّاتمان، نه در تحقیقات اصولی‌مان، احتیاجی به این پیدا نمی‌کنیم که بلند شویم قرآن را برداریم نگاه کنیم ببینیم مثلاً چه آیه‌ای در قرآن درباره‌ی این موضوع می‌شود پیدا کرد یا قرآن چه گفته! این عیب حوزه است.

خب، حالا راه افتاده ــ ایشان می‌گویند دویست درس تفسیر در حوزه هست! خیلی خوب است، این بسیار خوب است، یعنی یک مژده‌ای است؛ بنده این را نمی‌دانستم که الان دویست درس تفسیر در حوزه‌ی قم هست ــ منتها کاری کنید که این مراجعه‌ی به تفسیر و درس تفسیر یک فرهنگ باثبات بشود؛ [این کار] نقص شمرده نشود. یعنی ملّاییِ در فقه، یا حالا در درجه‌ی بعد، ملّاییِ در فلسفه که یک افتخار است، ملّاییِ در تفسیر هم به معنای ملّا شدن باشد، لااقل مثل ملّایی در فقه؛ یعنی این‌جوری باید باشد. حالا البتّه چون نظام زندگی انسان متوقّف به فقه است، بایستی در مورد فقه یک مقداری تعبیر انسان محترمانه‌تر باشد؛ لکن حالا مثلاً اصول با این طول و تفصیلی که دارد، یک نفری که ملّای در اصول است، یک رتبه‌ای در ذهنیّت عامّ حوزه‌ها دارد؛ آیا آن کسی هم که در تفسیر تسلّط دارد بر آیات قرآن و معانی آیات و مفاهیم آیات و اشارات آیات، همین اندازه در ذهنیّت عمومی حوزه ارج و قرب دارد؟ این را باید درست کرد.

مراجعات برادران اهل سنّت به قرآن خوب است، منتها آنها هم حالا یا بیش از تفسیر یا لااقل به قدر تفسیر، به مسائل حاشیه‌ای کم‌اهمّیّت قرآن پرداخته‌اند؛ چقدر کتاب در باب «وقف و ابتدا» در [قرائت] قرآن هست! مثلاً فرض بفرمایید چقدر کتاب در باب تجوید هست! و امثال اینها. مسائل قرآنی اینها نیست؛ مسئله‌ی قرآن، فهم آیات کریمه‌ی قرآن است که خب در این زمینه ما انصافاً کم‌کاریم و در شیعه این کار کم انجام گرفته؛ بحمدالله امروز این کار احیا شد. حالا خدا را شکر می‌کنیم که در این برهه، تفسیر تسنیم به وجود آمد و مایه‌ی افتخار شد. می‌شود تفسیر تسنیم را سر دست گرفت و نشان داد به دنیای اسلام که ما این را داریم.

**مطلب دوم: لزوم ترجمه تفسیر به زبان عربی**

یکی از کارها، ترجمه‌ی عربی تفسیر است که این کار هم لازم است. حالا اینکه اصل کار به فارسی نوشته بشود خب یک فلسفه‌ای داشته، عیبی هم ندارد، خوب است لکن دنیای اسلام امروز بیشتر با عربی آشنا هستند و نمی‌شود ما یک کتاب خوب را داشته باشیم و توقّع داشته باشیم که دنیای اسلام آن را بفهمد، بداند، بشناسد، لکن به زبان عربی نباشد؛ این توقّع درستی نیست. به نظر من یک گروهی، یک جمعی عرب‌زبان که زبان مادری‌شان عربی است و مسلّط به ادبیّات عربند، باید بنشینند این کتاب را بتدریج اگر تا حالا نشده [ترجمه کنند]. خیلی خوب. بله، این کار، کار لازمی است. اگر چنانچه کار، خوب از آب دربیاید، یعنی زبان، زبان خوبی برای مخاطب عربی باشد و بعضی از خصوصیّاتی که از لحاظ روانی مهم است، تفسیر، انتشارِ سریع پیدا خواهد کرد؛ یعنی در حوزه‌های عربی، این زود رواج پیدا خواهد کرد. مردمان صاحب فکر هم هستند [که استفاده می‌کنند].

مرحوم آشیخ هادی فضلی (رحمة الله ‌علیه) که ایشان از علمای عربستان بودند، به من گفت که الان در دانشگاه‌های حجاز، اساتید بزرگ حجاز، کتاب‌های فقهی شیعه را تهیّه می‌کنند و می‌خوانند؛ یعنی همین‌هایی که چاپ شده. تشکّر می‌کرد که [بر روی] اینها کار شده، تصحیح شده، چاپ شده. چون آخر کتاب ریاض را مثلاً به آن شکل قدیمی کسی رغبت نمی‌کند باز کند، امّا وقتی ریاض را با این شکل فرض کنید که چاپ کردند، یا جواهر را مثلاً به این شکل درآوردند، طبعاً او علاقه‌مند می‌شود. ایشان می‌گفت که علاقه‌مند شده‌اند و به شیعه اعتقاد پیدا کرده‌اند. مرحوم آقای فضلی در دانشگاه هم تدریس داشت و می‌گفت اساتید بزرگ در عالم تسنّن در آنجایی که حالا ایشان تدریس می‌کرد ــ در دانشگاه‌های منطقه‌ی شرقیّه و غیر آنها ــ همه‌ مجذوبند. این کتاب آن‌جوری خواهد شد؛ یعنی اگر چنانچه یک ترجمه‌ی خوبی انجام بگیرد، این دست آنها برسد، دیگر رهایش نمی‌کنند؛ یعنی دست به دست خواهد گشت؛ در دنیای اسلام ان‌شاءالله می‌گردد.

**لزوم ترجمه کتاب تفسیر توسط عرب‌زبانان به منظور بهره‌گیری جهان عرب و اهل تسنن از کتب شیعه مانند کتاب‌های ریاض و جواهر.**

**فراز پایانی (تشکر و قدردانی)**

تشکّر می‌کنیم از خداوند متعال که این توفیق را به آقای جوادی (دامت ‌برکاته) داد که ایشان این کار را انجام دادند؛ تشکّر می‌کنیم از آیت‌الله آقای جوادی که این زحمت را کشیدند؛ تشکّر می‌کنیم از شماها که دنباله‌ی این کار را گرفتید، تحقیق کردید و کار کردید و ان‌شاءالله امیدواریم که همه،‌ اجر و ثواب دنیوی و اخروی خودتان را ببرید. سلام ما و تشکّر ما را هم خدمت ایشان برسانید.

 والسّلام علیکم و رحمة ‌الله و برکاته

محورهای کلی سخنرانی رهبر معظم انقلاب در این بیانات

**1. تجلیل از آیت‌الله جوادی آملی:**

* تأکید بر نقش برجسته و وام‌دار بودن حوزه‌های علمیه به ایشان
* تقدیر از استقامت، خستگی‌ناپذیری و شوق ایشان در تفسیر قرآن در طول چهل سال
* برتر دانستن کار تفسیری ایشان نسبت به سایر فعالیت‌های علمی (فلسفی، عرفانی و فقهی)

**2. ارزش تفسیر تسنیم:**

* معرفی آن به عنوان یکی از افتخارات شیعه
* تمجید از تبیین خوب آیات و استفاده از تفکر عقلانی در فهم مفاهیم ظریف
* اشاره به گستردگی مباحث غیرتفسیری در آن و تبدیل شدن به یک دایرةالمعارف بزرگ
* تأکید بر نیاز به فهرست فنی کامل برای استفاده بهتر از این تفسیر

**3. اهمیت رواج تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه:**

* اشاره به ضرورت توجه به تفسیر قرآن فراتر از علوم قرآنی
* انتقاد از پیشنهادهای مربوط به کوتاه کردن یا خلاصه کردن تفسیر تسنیم

تحلیل محتوای کمی بیانات مقام معظم رهبری

**فراوانی واژگان**



|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **فراوانی** | **واژه** | **ردیف** |
| 42 | **تفسیر** | **1** |
| 32 | **کار** | **2** |
| 18 | **قرآن** | **3** |
| 18 | **من** | **4** |
| 14 | **ما** | **5** |
| 14 | **کتاب** | **6** |
| 13 | **انسان** | **7** |
| 9 | **درس** | **8** |
| 8 | **آیات** | **9** |
| 7 | **تسنیم** | **10** |

**دسته‌بندی واژگان**

**۱. واژگان مرتبط با "آیت‌الله جوادی"**

* آیت‌الله، حوزه، وام‌دار، کار بزرگ، تفصیل، استقامت، شوق و ذوق، مفسّر، آیات، قرآن، اجر، طولانی، نشاط، نگاه، تغییر، اضافه کردن
* "استقامت" و "نشاط" (به معنای تعهد و اشتیاق ایشان در این راه)

**۲. واژگان مرتبط با "تفسیر تسنیم"**

* افتخار، تفسیر، آیه، تبیین، قوّت تفکّر عقلانی، مفاهیم ظریف، تفسیر تسنیم، دایرةالمعارف، فهرست فنّی، خلاصه، هویّت، مرجع
* "دایرةالمعارف" و "فهرست فنّی" (اشاره به سازماندهی بهتر و جمع‌آوری مطالب در این تفسیر )

**۳. واژگان مرتبط با "وضع حوزه‌ها"**

* حوزه‌ها، کم‌کاری، علوم، قرآن، مفاهیم قرآنی، تفسیر صافی، علمای بزرگ، نیاکان، درس‌های قرآنی، مراجعه به قرآن، فقه، فلسفه

**تفسیر مفاهیم کلیدی**

* **آیت‌الله جوادی**: اشاره به ایشان به‌عنوان یک شخصیت برجسته در زمینه تفسیر قرآن و تلاش‌های علمی
* **تفسیر تسنیم:** اشاره به کتاب تفسیر و نقش آن در شیعه‌گری
* **تفسیر قرآن**: بررسی وضعیت و جایگاه تفسیر قرآن در حوزه‌های علمی
* **حوزه‌های علمیه:** مقایسه وضعیت تفسیر قرآن در حوزه‌های مختلف
* **علم و مجاهدت**: اشاره به اهمیت فعالیت‌های علمی و فکری
* **فهرست فنّی**: پیشنهاد برای فهرست‌گذاری تفسیر تسنیم برای دسترسی بهتر به مفاهیم

**کاربرد واژگان:**

* **واژگان عربی:** استفاده فراوان از واژگان عربی مانند «معرّفی»، «مقوله»، «تفسیر»، «علوم قرآنی»، «حوزه‌های علمیّه»، «علوم عقلی«، «علوم نقلی»، «تسنیم»، «آیه»، «تبیین»، «مفاهیم ظریف»، «لطیف»، «دایرةالمعارف»
* **واژگان تخصصی:** استفاده از واژگان تخصصی مانند “المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم” (به عنوان نمونه‌ای از یک فهرست فنی)

**ساختار جملات:**

* به کارگیری از جملات اغلب طولانی و پیچیده
* استفاده از جملات معترضه (“من البتّه توفیق پیدا نکردم این را نگاه کنم بفهمم”) نشانگر تواضع و احتیاط ضمن بیان نظر خود

**آرایه‌های ادبی:**

* **تشبیه:** تشبیه “تفسیر تسنیم” به “المیزان امروز” نشان‌دهنده ارزش و جایگاه این تفسیر در زمان حاضر
* **تکرار:** اهمیت مفاهیم با تکرار کلماتی مانند «تفسیر» و »مهم»

**ساختار بیانی و سبک سخنرانی**

* **استفاده از جملات تأکیدی:** جملاتی مانند "این کار آسانی نیست"، "کار ایشان کار واقعاً باارزشی است"، و "از افتخارات شیعه است" نشان‌دهنده تأکید بر اهمیت موضوعات است.
* **مقایسه با آثار گذشته**: استفاده از مقایسه با تفسیر المیزان برای تأکید بر جایگاه تفسیر تسنیم.
* **استفاده از آمار و کمیت‌ها:** به‌عنوان مثال، ذکر تعداد جلدهای تفسیر (۸۰ جلد)، اشاره به تعداد شاگردان علامه طباطبایی (حدود ۳۰ تا ۵۰ نفر) که نشان از نگاه تحلیلی و دقیق به موضوع دارد.
* **بیان پیشنهادهای کاربردی:** مانند تأکید بر نیاز به فهرست فنّی برای استفاده بهتر از تفسیر تسنیم.

**ساختار گفتمانی کلان متن**

متن در سه محور اساسی سازمان‌دهی شده است:

* جایگاه و شخصیت آیت‌الله جوادی آملی – تلاش برای تثبیت جایگاه ایشان به‌عنوان یک شخصیت برجسته در حوزه‌ی تفسیر قرآن.
* تفسیر تسنیم به‌عنوان یک دستاورد علمی شیعه – برجسته‌سازی این تفسیر به‌عنوان یک افتخار علمی و مرجع مهم.
* کم‌کاری حوزه‌های علمیه در تفسیر قرآن – نقد وضعیت موجود و دعوت به اصلاح رویکرد حوزه نسبت به علوم قرآنی.

**الگوهای زبانی و گفتمانی**

**الف) زبان ارزیابی و ارزش‌گذاری**

 استفاده از تعابیر احساسی و تجلیل‌آمیز مانند:

* «حوزه واقعاً وام‌دار ایشان است»
* «کار بزرگی انجام دادند»
* «این کار، از افتخارات شیعه است»
* «انصافاً تفسیر تسنیم جزو افتخارات شیعه است»
* «خداوند ان‌شاءالله به ایشان اجر بدهد»

 این نوع ارزیابی‌ها، مشروعیت‌بخشی به تفسیر تسنیم و جایگاه مفسر آن را در گفتمان حوزه و علوم اسلامی تقویت می‌کند.

**ب) استفاده از تقابل‌های دوگانه**

* "وفاداری به تفسیر در برابر کم‌کاری حوزه‌ها" → جوادی آملی و علامه طباطبایی به‌عنوان نماد تعهد و استمرار علمی معرفی می‌شوند، درحالی‌که حوزه‌های علمیه در طول زمان در زمینه‌ی تفسیر قرآن کم‌کار بوده‌اند.
* "شکوه علمی تسنیم در برابر انتقادات به حجم آن" → تفسیر تسنیم نه‌تنها طولانی بودنش نکوهش نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یک ضرورت علمی مطرح می‌شود که نباید آن را خلاصه کرد.
* "ضرورت گسترش فرهنگ تفسیر در برابر سنت‌های حوزه" → فضای گفتمانی حوزه‌های علمیه در گذشته، به‌عنوان فضایی معرفی می‌شود که به تفسیر قرآن کم‌توجه بوده و نیازمند تغییر است.

**ج) ساختار تأکیدی و تثبیتی**

* تکرار مکرر برخی مفاهیم برای تثبیت آن‌ها در ذهن مخاطب، ازجمله:
* «این کار، تفسیر را از آن هویّت خودش می‌اندازد»
* «اسم آقای جوادی و اسم تفسیر تسنیم را با این کارها کوچک نکنیم»
* «تفسیر، فهرست لازم دارد» (تکرار برای تأکید)
* این تکرارها به برجسته‌سازی هویت مستقل و ضروری تفسیر تسنیم کمک می‌کند.

**پیش‌فرض‌های گفتمانی**

* حوزه‌ی علمیه نیازمند بازنگری در نگرش خود به تفسیر قرآن است.
* مفسران بزرگ همچون جوادی آملی و علامه طباطبایی تغییرات مثبتی را در نگاه حوزه ایجاد کرده‌اند.
* حجم زیاد یک تفسیر، نقطه‌ضعف نیست، بلکه نشانه‌ی عمق علمی آن است.
* شناخت علوم اسلامی بدون مراجعه به تفسیر، ناقص است.

 **بررسی ارتباط کلمات و جملات**

**ارتباط بین جملات در بخش اول: آیت‌الله جوادی**

* جملات در این بخش در کنار هم یک ارتباط علت و معلولی دارند. مثلا "کار بزرگی انجام دادند" و "استقامت بر این کار" به یکدیگر پیوند دارند؛ یعنی آیت‌الله جوادی به واسطه استقامت طولانی خود در تفسیر قرآن به دستاوردهای بزرگی رسیده است.
* در این بخش، نویسنده از جملات تحسین‌آمیز برای تعریف از آیت‌الله جوادی استفاده کرده است که از یک طرف به تأثیر ایشان بر تفسیر قرآن اشاره دارد و از طرف دیگر بر شخصیت ایشان به عنوان یک استاد و مفسّر تأکید می‌کند.

**ارتباط بین جملات در بخش دوم: تفسیر تسنیم**

* جملات این بخش به دو نکته اصلی اشاره دارند: نخستین آن‌ها به "افتخار بودن تفسیر تسنیم" اشاره دارند و سپس به ویژگی‌های آن از جمله "قوّت تفکّر عقلانی" و "مفاهیم ظریف" پرداخته می‌شود. این جملات به صورت توصیفی ویژگی‌های این تفسیر را برمی‌شمارند.
* جملات بعدی که به فهرست فنّی و سازمان‌دهی تفسیر اشاره دارند، بر لزوم ایجاد ساختار بهتر برای استفاده از این تفسیر تأکید دارند. این جملات بر ضرورت مرتب‌سازی و دسترسی آسان به اطلاعات تأکید دارند.

**ارتباط بین جملات در بخش سوم: حوزه‌ها و تفسیر قرآن**

* این بخش بیشتر به تحلیل وضع موجود در حوزه‌های علمیه می‌پردازد و از وضعیت ناهماهنگ در تدریس علوم قرآنی و کم‌کاری‌ها صحبت می‌کند. جملاتی مثل "کم‌کاری در این زمینه" و "علمای بزرگ با مفاهیم قرآنی آشنا نبودند" نشان‌دهنده خلاءهای موجود در تدریس تفسیر قرآن است.
* جملات بعدی به تدریس آقای طباطبایی اشاره دارند که به نوعی نقطه‌ شروع توجه به قرآن و مفاهیم آن در حوزه‌ها است و سپس نویسنده بیان می‌کند که نباید این خلاءها ادامه پیدا کند.

 **تحلیل معنایی**

در مجموع، این متن بر سه محور اصلی تمرکز دارد:

* **تأثیر آیت‌الله جوادی:** به طور خاص به استمرار و تلاش ایشان در تفسیر قرآن , به اهمیت کار ایشان در بین سایر فعالیت‌های علمی اشاره می‌شود.
* **ویژگی‌های تفسیر تسنیم:** در این بخش، به تحلیل و تفصیل تفسیر تسنیم پرداخته می‌شود که از آن به عنوان یکی از افتخارات شیعه یاد می‌شود و به ضرورت ارائه فهرست فنّی برای این تفسیر تأکید دارد.
* **وضعیت حوزه‌ها و نیاز به اصلاح:** این بخش به کم‌کاری حوزه‌ها در تدریس علوم قرآنی اشاره دارد و نیاز به توجه بیشتر به تفسیر قرآن و مفاهیم قرآنی در حوزه‌های علمیه را مطرح می‌کند.

تحلیل محتوای کیفی بیانات مقام معظم رهبری

**الف) گفتمان‌های غالب**

1. **گفتمان تقدیر از علمای بزرگ:** مقام معظم رهبری در سخنرانی خود از آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراجع علمی و دینی یاد کرده‌اند و کارهای علمی ایشان را به عنوان «کار بسیار بزرگ» و «افتخار شیعه» معرفی می‌کنند. این گفتمان، تمرکز بر جایگاه علمای بزرگ و تأثیر آنان در شکل‌دهی به فهم دینی و علمی جامعه دارد. از این منظر، معظم‌له نه تنها به اهمیت علمای گذشته اشاره می‌کنند، بلکه به نیاز جامعه دینی به ادامه و پویایی این نوع فعالیت‌ها در نسل‌های آینده نیز می‌پردازند.
2. **گفتمان تفسیر تسنیم:** رهبر معظم انقلاب تفسیر تسنیم را به‌عنوان یک دایرةالمعارف مهم در تفسیر قرآن معرفی کرده‌اند که فراتر از تفسیری ساده و سطحی است. در این گفتمان، تأکید بر تخصص و عمق علمی این تفسیر به چشم می‌خورد و ایشان آن را برای نسل امروز و نیازهای آن ضروری می‌دانند. این گفتمان نشان می‌دهد که تفسیر تسنیم نه‌تنها از نظر علمی ارزشمند است بلکه به‌عنوان مرجعی برای دنیای معاصر نیز قابل توجه است.
3. **گفتمان انتقاد از کم‌کاری حوزه‌ها در زمینه تفسیر قرآن:** مقام معظم رهبری در این بخش به‌طور غیرمستقیم نقدهایی را به وضعیت حوزه‌های علمیه در زمینه تفسیر قرآن وارد می‌کنند. این گفتمان بیانگر نگرانی ایشان از کم‌کاری در حوزه‌های دینی و آموزشی است. به‌ویژه در شرایطی که قرآن به‌عنوان پایه‌گذار اصلی آموزه‌های دینی در جامعه اسلامی شناخته می‌شود، توجه ناکافی به تفسیر و تدریس آن در دروس حوزوی، دغدغه‌ای جدی برای ایشان به‌وجود آورده است. این انتقاد، نه تنها به‌عنوان نقدی سازنده بلکه به‌عنوان دعوت به اصلاح و توجه بیشتر به قرآن در عرصه‌های علمی و آموزشی است.

**ب) چارچوب‌های روایی و استعاره‌ها:**

1. **استعاره «تفسیر تسنیم مانند المیزان برای امروز»:** این استعاره بسیار جالب است چرا که رهبر معظم انقلاب می‌خواهند تفسیر تسنیم را به‌عنوان مرجعی مهم و قابل اعتماد برای دوران کنونی معرفی کنند. با این استعاره، به نوعی از توان علمی تفسیر تسنیم برای حل چالش‌های فهم قرآن در دنیای معاصر دفاع می‌کنند. این استعاره به‌طور ضمنی اشاره به این دارد که تفسیر تسنیم با اینکه از نظر علمی هم‌تراز با کتاب‌های معتبر مانند المیزان است، اما با نگاه و نگرش ویژه‌ای به نیازهای معاصر نگاشته شده است.
2. **استعاره «تفسیر به دایرةالمعارف»** : این استعاره اشاره به ویژگی جامعیت تفسیر تسنیم دارد. دایرةالمعارف‌ها، کتاب‌هایی جامع هستند که اطلاعات وسیعی را در بر می‌گیرند و به نوعی تمام زمینه‌های مختلف را پوشش می‌دهند. حضرت امام خامنه‌ای با این استعاره، تفسیر تسنیم را فراتر از تفسیری معمولی معرفی می‌کنند که صرفاً تفسیر آیات قرآن را در بر می‌گیرد، بلکه به‌عنوان مرجعی علمی و فرهنگی جامع شناخته می‌شود که می‌تواند در زمینه‌های مختلف علمی و دینی به کار رود.

**ج) تحلیل زمینه‌ای و دلالت‌های معنایی**

1. **زمینه‌سازی فرهنگی و دینی:** مقام معظم رهبری در سخنرانی خود ضمن اشاره به جایگاه قرآن در میان مسلمانان، به اهمیت تفسیر قرآن در راستای فهم بهتر و عمیق‌تر آموزه‌های دینی تأکید می‌کنند. از آنجا که قرآن در جامعه اسلامی نه تنها یک کتاب مقدس است بلکه به‌عنوان راهنمایی برای زندگی دینی و اجتماعی مسلمانان به حساب می‌آید، بنابراین تفسیر صحیح قرآن و فهم عمیق آن از اهمیتی ویژه‌ برخوردار است.
2. **تحلیل گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی:** سخنان رهبر معظم انقلاب درباره کم‌کاری حوزه‌ها در تفسیر قرآن علاوه بر نگرانی از وضعیت دینی، به‌طور ضمنی نقدی بر وضعیت نظام آموزشی دینی و حتی ساختارهای اجتماعی و سیاسی نیز دارد. ایشان با اشاره به ضعف‌های آموزشی و پژوهشی در حوزه‌های علمیه به نوعی نارضایتی از وضعیت کنونی را مطرح می‌کنند که می‌تواند تأثیراتی بر جامعه دینی و فرهنگی داشته باشد. این تحلیل گفتمانی از نهادهای دینی در واقع دعوت به اصلاحات ساختاری در نظام آموزشی و فرهنگی است.

**د) چگونگی لحن و احساسات:**

1. **احساسات مثبت:** حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی با استفاده از عبارات مثبت و تقدیرآمیز مانند «کار بزرگی»، «افتخارات شیعه» و «مبتهج به این کار»، به‌طور مستقیم حمایت و ارادت خود را به فعالیت‌های علمی آیت‌الله جوادی آملی و تفسیر تسنیم نشان می‌دهند. این لحن مثبت نه تنها ارزش علمی این اقدامات را نشان می‌دهد بلکه تحسین و توجه ایشان را به تلاش‌های علمی برجسته می‌سازد.
2. **لحن انتقادی:** مقام معظم رهبری در عین حال که تحسین می‌کنند، در مواردی نیز با لحن انتقادی از وضعیت کنونی انتقاد می‌کنند. استفاده از عباراتی چون «کم‌کاری» و «ای کاش»، نشان‌دهنده دغدغه‌ای است که حضرت امام نسبت به توجه ناکافی به قرآن در دروس حوزوی دارند. این لحن انتقادی به‌عنوان فراخوانی به اصلاحات و بهبود وضعیت تفسیر قرآن در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها قابل مشاهده است.

**ه) سبک زبانی:**

1. **سبک رسمی و علمی:** سخنرانی حضرت امام خامنه‌ای بیشتر در چارچوب زبان رسمی و علمی قرار دارد. ایشان در توضیحات خود درباره تفسیر قرآن با استفاده از زبان علمی به عمق مطالب اشاره کرده‌اند و از مفاهیم دینی و علمی برای تقویت گفتمان خود بهره برده‌اند.
2. **سبک خطابی:** حضرت امام خامنه‌ای در برخی بخش‌ها از لحن خطابی و دعوت به اصلاحات استفاده می‌کنند. در این بخش‌ها، هدف ایشان بیشتر بر ایجاد انگیزه در مخاطبان برای اصلاح وضعیت موجود و توجه بیشتر به تفسیر قرآن در نهادهای دینی و آموزشی است.

**و) منابع و شواهد:**

1. **ارجاع به شخصیت‌های دینی و تاریخی:** حضرت امام در سخنان خود به شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله طباطبایی اشاره دارند تا اعتبار علمی و دینی سخنان خود را تقویت کنند. این ارجاع‌ها به‌طور غیرمستقیم بر اعتبار و قدرت علمی منابع و آثار ایشان تأکید دارند.
2. **استفاده از مفاهیم دینی:** در طول سخنرانی، حضرت امام خامنه‌ای از مفاهیم قرآنی و دینی به‌طور وسیع استفاده می‌کنند تا نه تنها معنای دقیق کلام خود را بیان کنند بلکه گفتمان‌های دینی و فرهنگی خود را نیز تقویت نمایند.

**ز) تحلیل اهداف سخنرانی**

**1. تجلیل و تقدیر:** هدف اصلی معظم‌له تجلیل و قدردانی از آیت‌الله جوادی آملی و «تفسیر تسنیم»

**2. معرفی و ترویج:** معرفی “تفسیر تسنیم” به مخاطبان و ترغیب به مطالعه و استفاده از آن

**3. تأکید بر اهمیت تفسیر قرآن:** تأکید و جلب توجه حضار بر اهمیت تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه

**4. حفظ اصالت تفسیر تسنیم**: دفاع از اصالت و تمامیت «تفسیر تسنیم» و جلوگیری از هرگونه تلاش برای خلاصه‌کردن یا تغییر آن



**اتحاد حکمت و عرفان و قرآن در شخصیت علمی و عملی**

**آیت الله جوادی آملی**

**علیرضا معاف**

حضرت آیت‌الله‌ عبدالله جوادی‌آملی از متفکران و حکیمان برجسته زمانه ماست که سلوک علمی و ممشای معرفتی او اتحاد و امتزاجی از حکمت، عرفان و تفسیر قرآن است. جمله مشهور ایشان که قرآن را آویختنی و باران را انداختنی میداند،حکایت از نگاه متعالی ایشان به نزول قرآن و امتداد تاثیر قرآن بر زندگی انسان معاصر دارد. او در تفسیر قرآن، برخلاف قرائت‌های صرفاً لفظ‌گرا یا تاریخی، تفسیری ارائه می‌کند که در آن معناشناسی وحی بر اساس اصول آنتولوژیک و هستی‌شناختی و مبانی فلسفی صدرایی تبیین می‌شود. این رهیافت ، او را در تراز بزرگانی چون علامه طباطبایی و تفسیر ایشان را در زمره تفاسیر حکمی – عرفانی قرار داده است. تفسیر قرآن همواره در طول تاریخ اسلامی عرصه‌ای بوده است که اندیشمندان هر عصری آن را از منظر معرفتی خود نگریسته‌اند و به آن پرداخته اند. آیت‌الله جوادی‌آملی در این میان، با بهره‌گیری از حکمت متعالیه و نظام فلسفی – عرفانی ملاصدرا، به تبیینی نوین و نواندیشانه از وحی و معانی قرآنی دست می‌زند. به باور او ، قرآن نه صرفاً متنی تاریخی و متعلق به گذشته ، بلکه حقیقتی وجودی است که مراتب هستی را منعکس می‌کند. چنین رهیافتی، او را در مقام یکی از مهم‌ترین مفسران فلسفی – عرفانی تاریخ شیعه قرار می‌دهد. آیت‌الله جوادی‌آملی در آثار تفسیری خود، بویژه در «تسنیم»، بر این نکته تأکید دارد که قرآن کریم تجلی حقیقت مطلق است و فهم آن مستلزم عبور از ظواهر لفظی به لایه‌های عمیق‌تر معرفتی است. او در امتداد علامه طباطبایی ولی با امعان نظر در مسائل عرفانی، تفسیر را نه صرفاً شرح لفظی آیات، بلکه فرآیندی از کشف و شهود حقیقت وحی می‌داند. آیت‌الله جوادی‌آملی در تبیین وحی، نه به ‌صورت تقلیل‌گرایانه آن را صرف ارتباطی زبانی میان خدا و انسان می‌داند و نه آن را به تجربه‌ای شخصی تقلیل می‌دهد، بلکه وحی را در بستر یک نظام وجودی و هستی‌شناختی تفسیر می‌کند. او وحی را حقیقتی وجودی می‌داند که از سنخ نور است و همانند نور، درجات و مراتب دارد. این برداشت ریشه در مبانی حکمت متعالیه دارد که وجود را حقیقتی تشکیکی می‌داند و به همین سبب، وحی را نیز نوری می‌داند که در مراتب گوناگون وجودی تجلی می‌کند. از منظر آیت‌الله جوادی‌آملی، قرآن نه صرفاً متنی خطی و منقطع از هستی، بلکه وجودی عینی است که از عالم امر به عالم خلق تنزل یافته است. چنین نگرشی که به تأکید بر عینیت وحی منتهی می‌شود، باعث شده در تفسیر او، معانی قرآنی در بستر یک نظام فلسفی بازخوانی شوند. آنچه آیت‌الله جوادی‌آملی را در کنار بزرگانی چون علامه طباطبایی قرار می‌دهد، تأکید او بر نظام‌مند بودن فهم قرآن است. همان‌گونه که علامه طباطبایی در «المیزان» قرآن را با قرآن تفسیر می‌کرد و بر انسجام درونی آن تأکید داشت، آیت‌الله جوادی‌آملی نیز قرآن را منظومه‌ای منسجم می‌داند که معانی آن از یکدیگر قابل استخراج‌اند اما تفاوت اساسی او با علامه طباطبایی در این است که وی به طور ویژه‌ای بر امتزاج معرفت قرآنی با حکمت و عرفان تأکید دارد. در حالی که علامه طباطبایی با تأکید بر روش تفسیری قرآن به قرآن، از فلسفه و عرفان برای تبیین مفاهیم استفاده می‌کرد، آیت‌الله جوادی‌آملی به نوعی تفسیر حکمی – عرفانی رسیده است که در آن، نظام وجودی قرآن با ساختار هستی‌شناختی عالم هماهنگ است. آیت‌الله جوادی‌آملی تفسیر را نه صرفاً یک دانش، بلکه نوعی سلوک علمی – عرفانی می‌داند. او بر این باور است قرآن کریم حقیقتی فراتر از الفاظ است و فهم آن مستلزم عبور از مراتب معرفتی است. به همین دلیل، در روش تفسیری او، نقش عقل فعال، شهود عرفانی و استنتاج فلسفی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌ است. این رویکرد در آثار تفسیری او، از جمله در تفسیر آیات مرتبط با توحید، معاد و نبوت به وضوح دیده می‌شود. برای مثال، در تفسیر آیات مربوط به معاد، او با الهام از حکمت صدرایی، معاد را نه صرفاً یک رویداد زمانی ، بلکه حقیقتی وجودی می‌داند که در متن هستی تنیده شده است. آیت‌الله جوادی‌آملی در تبیین سازوکار فهم وحی، بر این باور است معرفت بشری از 3 مرتبه حس، عقل و شهود عبور می‌کند و قرآن نیز به ‌مثابه کتاب هدایت، در هر 3 ساحت، مراتب گوناگونی از معنا را عرضه می‌کند. او با تکیه بر حکمت متعالیه، معتقد است فهم عمیق قرآن مستلزم عبور از عقل نظری به عقل شهودی است، زیرا وحی، امری وجودی و نوری است که تنها با سلوک معرفتی و طهارت نفس درک می‌شود. این نگرش، تفسیر را از سطح یک دانش نقلی فراتر برده و آن را در مقام یک معرفت حضوری قرار می‌دهد. از این منظر، مفسر کسی نیست که تنها به دانش‌های زبانی و تاریخی مسلط باشد، بلکه باید در ساحت عقل و شهود به مرتبه‌ای رسیده باشد که معانی قرآنی را از سنخ حقیقت ادراک کند.

چنین دیدگاهی، ریشه در آموزه‌های عرفانی ابن‌عربی و ملاصدرا دارد و در امتداد سنت تفسیری حکمای اسلامی قرار می‌گیرد. اگر بخواهیم جایگاه تفسیری آیت‌الله جوادی‌آملی را در مقایسه با سایر مفسران معاصر بررسی کنیم ، باید گفت هر چند روش او به روش تفسیری علامه طباطبایی نزدیک است اما در عین حال، از تفاسیر رایج فقهی – کلامی فاصله دارد. برخلاف بسیاری از مفسران معاصر که رویکردی کلامی یا اجتماعی به قرآن دارند، آیت‌الله جوادی‌آملی قرآن را در بستر فلسفه وجودی تفسیر می‌کند. این تفاوت باعث شده تفسیر او عمق فلسفی – عرفانی یابد و به‌ عنوان یکی از مهم‌ترین تفاسیر حکمی – معرفتی در دوران معاصر شناخته شود. آیت‌الله جوادی‌آملی از جمله معدود مفسرانی است که توانسته وحی را در ساحت حکمت و عرفان تفسیر کند. در این مسیر، او با تأکید بر مبانی وجود شناختی قرآن، خوانشی ارائه می‌دهد که در امتداد تفکر علامه طباطبایی قرار دارد اما در عین حال، با رویکردی عرفانی – فلسفی، افق‌های جدیدی در فهم وحی می‌گشاید. چنین تفسیری نه تنها موجب تعمیق فهم قرآنی می‌شود، بلکه نشان می‌دهد وحی را باید در بستر یک نظام معرفتی کلان درک کرد. این رویکرد، جایگاه آیت‌الله جوادی‌آملی را در منظومه تفسیر فلسفی – عرفانی قرآن تثبیت کرده و او را در زمره بزرگ‌ترین مفسران معاصر و حتی تاریخ شیعه قرار داده است.سایه اش مستدام.

